

اس خود را نعتر قرآن مجید حضرت مستطاب آیت الله آقا میرزا جواد زار
 نظر نظر اسلامی مسند را از ل دستوره میرزا حضرت
 در صحن عقیق صورت الحج و مسجد طبر دفعی اخده
 به قدر فهم در کفر خود مستحب نسیم که آن از اول
 سوره مبارکه صفحه ۱ تا ۴۲۴ تجویی
 حدیث صفحه ۱۰۸ صفحه ۱۰۸ مسند نموده
 که براز هست در مدرس مذاهب اسلام
 امام حب ملکه سلام که این از برادر ایشان
 ضمای این نوشته بسیار خود را آیت الله میرزا جواد زار
 خلاصه این بحث می سیم که فرموده باشد از این

این جزوی از تفسیر قرآن مجید حضرت مستطاب آیت الله آقا میرزا جواد زار
 تهرانی قبل از انقلاب اسلامی حدود ۱۲ سال در مدرسه میرزا جعفر در صحن
 عقیق صبح ها در سالن مدرس طلب دینی استفاده به قدر فهم و درک خود مستفیض
 شدیم . از شماره آیه اول سوره مبارکه حمد صفحه ۱ تا ۴۲۴ تحويل جناب آقای
 حجۃ الاسلام حسینی مجاهد تقدیم نمودم که برای استفاده مؤسسه معارف اسلامی
 امام رضا علیه السلام در آن بهره برداری شود .

ضمیماً این نوشتار به عرض آیت الله میرزا جواد زار تهرانی رسیده معظم له فرموده
 قابایت انتشار دارد .

عمره ۶۰، در هشتاد و دو هفده ساله مکتوبه تبریر آن را در دیگر
سی هشتاد و هشت سالگی از زبان خود بحث کردند و نظر به
تمدن این کفته الله عزیز مودودی از این مکتوبه را توپیل نموده اند
و خواستند که این کفته میتواند از همان مدت باشد لایه لایه پنهان
در بخشی از متن این کفته از مذکور شده است: «من مفتخع عذر بابت
روز نیز این کفته را در سی هشتاد و هشت سالگی از زمانی که در این
نحو این کفته را مفتخع نموده بخواهیم که این کفته از مدتی است که
و جزئی از مذکور شده است: «من مفتخع عذر بابت این کفته را در سی هشتاد و هشت سالگی از زمانی که در این
از آن از مدتی است که این کفته را مفتخع نموده بخواهیم که این کفته از مدتی است که در این
سبب شده است: «من مفتخع عذر بابت این کفته را در سی هشتاد و هشت سالگی از زمانی که در این
صیغه این کفته ایجاد شده است: «من مفتخع عذر بابت این کفته را در سی هشتاد و هشت سالگی از زمانی که در این

این و
 در بجه مفهومیت از در چشم پیش از بر رکت عالم پروردگار نیست.
 نسبت به ~~بهم~~ نیز کمال ایم لذت از فرمون دارد فاجر
 در هر سکه عالم
 راهنمای همچو کسی زندگانی داشتم نعم این را خود ندانید
 نیز دنی را که تا هم را بپوشید
 در چشم راهنمای خود را داشت و مذاق طویل دیگر بگیران برا بسیار
 در ~~کوچولو~~ این را گفتند. دنیا و زمان بیمه
 پیشگام کی یا که کوشنر همچو ملاحده هستند. ۷۱
 بدر دلخواه بسر اودی از نیز و لذت از نیز هر دوی همینه
 هم این نویسندر باشی لذت از راهنمایی از راهنمایی
 و بنیم زنده خود را که عالم را از این دلخواه دلخواه دارد
 راهنمای قرائیگز را هم مواردی هم نیز نیست

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۷۰

در آنکه لایسنس فرم می‌گیری

المَعْنَى

المرئي والسمعي

لِعَلَّهُ دُنْيَاكُمْ تُغْرِي

وَالْمُنْذِرُونَ ۚ أَرْلَكَهُ وَ

ارلن مکارڈ، ام برفن

卷之三

لولہ مکھیہ کی رسم

الملحق الأول

دستخط مقرر، صفحه اول تفسیر سوره یقره

درین نمایی اسیداً پُر ره کهست به زدله دران مهرگانه
قبر لیر فرد و نجف دعده دل رز و سپاهه اگام راه سده خود
نموده است زور دل از جناب سعادتی معنی شکر و راه همراه نمارد
پسر پرچی از زدن چون گزیر همچرا باشی ! هر چیل زندگانی فیض
و بس داشت ناز دلخیق در راه همود و ای بسید یاد داشی و معاشر شست

مجھوں ہلکا دوڑ کردا
درود حرف معلم فرماں مد ابشار نور غیر من نہیں کر کے گئے تھے
در صفا و سعید دل دماز بھی لڑتا تھا جو درود را واحد رده
د لام لام الہ زین کس کرتے۔ ~~فیصلہ~~ فیصلہ
فسق اور دن حرف در فیصلہ عالم رض قبہ تصریح ہے وہ مکہ راجہ والی
مغل و سعیں تھر کردا رام کی بیض اور زین بھی پاٹکوں پر
ایں حروف از سب باس فرماں وہ بستر زد رکال اکم
دار چھوڑ اور ہست دو دفعے سننے کس کے گرد بنتہ ہے اصرار اپرائیں

دیگر گشته اند و زاده خدمت سپه خود را در سپاه کنده کنند و میرست
(خود قسمی از نیکوں دیه باید این صفت همین منظمه است) باید میرست
لطف آنقدر از این دستور را جمعی و پهلوانی معتبر برداشتند و مادر اینها را
بادره کنند خدمت علیه میریم بست
درین همان مکان شکن بیک رهیست خود را هم از همان مکان و با همراهان فرم بخواه
بجده داده و در زمینه از این محکم بسته میباشد از دستگاه اداره خدمتی این را بخواهد و
بهر کارم مسکنه داده همی بود اگر زرا خدمتی داشت داده از این طلاق است
لطف این نزد دارد ~~که~~ همیزی داده بعنی ماطم بخت داده لطف این را از این طلاق
باید با کارکم کرد و باید کجا در کار از این دستور کنند و میرست این از این طلاق
الله رحمت است داده از این نزدیکی است بین داده هم باشد

و لد امکن بعده کر - ۲۰ فریاد نه دهن برین و گر نسخه می کند رفع
پر آن با ترس و شست - هر چند مردست رسیده ای خوش دویمه لذت داشتن
همچو دشنه سرمه کی هم آنست در تو هر سیست نهان دویزه هدیه دار
در کسر پر انداده بودند

دویون در آن ۱۷ مرد عجج دگر لذت بوس ده بین رسکرین هر ده مرد از
هزارم ده بین غریز مرگان دخواستند لذا احتمال این راز را نهادند
در دران مخوز فرو بگزد و سرمه مور

در رکس نجف ایمه دم را دست به لایه ایون بخواستند و لامین
د خبر آن امکن اس بده است لی از هر چند دلیله ملام ای خوار من بزرگیه است
و دیگه چند سرمه در خواجه خبر را آن را راه کن اس « منم »
در تقدیر است در کوئل لادمی رسکر دلده می اس آن دسته سرا است

آبست هم بینه لذت ده دهی رسک دار که بخواهی دلخواه
مشک آن بودن مخفی بود دین آی طلبی جنبه غریب در کسر کو فره ده
خرم کسر بدل یعنی دهد خبر زیر سرمه را در راه ده « هسته هم لذت ده کریک